

# بامن بازبان اشاره سخن بگو

به مناسبت روز جهانی زبان اشاره با یک مترجم این زبان که از کودکی به خاطر داشتن خواهری ناشنوا از نزدیک با چالش‌ها و سوالات عجیب مردم از آن‌ها، دغدغه‌هایشان و ... مواجه شده، گفت‌وگو کردیم

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

شنبه • اول مهر ۱۴۰۲  
۷ ربیع الاول ۱۴۴۵ • ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۲  
شماره ۲۱۳۱۴

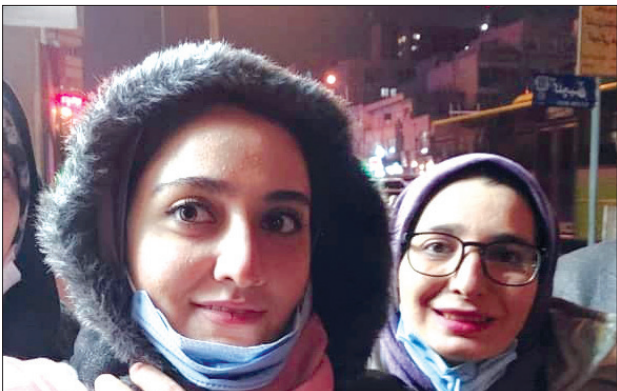
۲۵۳۳



## صحبت در همه جا بازبان اشاره

«خادم‌زاده» در ابتدای صحبت می‌گوید که اصلی‌ترین شعار مطرح‌شده هفته جهانی ناشنویان امسال این است که ناشنویان بتوانند در همه جا بازبان اشاره صحبت کنند. او ادامه می‌دهد: «اگر به شعارهای فدراسیون جهانی ناشنویان نگاهی بیندازیم، با توجه به این که این شعارها آمارهایی در پشت‌شان است و براساس جامعه وسیعی از ناشنویان بررسی شده است، متوجه می‌شویم که مفهوم وسیعی دارد. ما هفته جهانی ناشنویان داریم. طبق این برنامه باید موضوعاتی که مربوط به ناشنویان است، مطرح شود و در اس‌قرار بگیرد تا زندگی ناشنویان راحت‌تر شود.» این مترجم زبان اشاره می‌افزاید: «من دردهای ناشنویان را از نزدیک لمس کرده‌ام، چون کنار خواهرم زندگی کرده‌ام. با این حال امیدوارم این حرف‌ها به گوش کسانی برسد که کاری از دست‌شان برمی‌آید و بتوانند مشکلات ناشنویان را برطرف کنند. آرزوی منم دنیا به سمتی برود که همه افراد، مسئولان و... دغدغه این را داشته باشند که سطح آگاهی و آموزش ناشنویان به جایی برسد که آن‌ها هیچ فرقی با افراد شنوا نداشته باشند. همین.»

## اشتغال، بزرگ‌ترین مشکل ناشنویان



از این مربی زبان اشاره درباره اصلی‌ترین مشکل ناشنویان می‌پرسیم که می‌گوید: «اصلی‌ترین مشکل ناشنویان وجود ندارد. یک سری از مشکلات‌شان به یک اندازه مهم است، ولی اولین مشکل بزرگ آن‌ها اشتغال است. خودم این مشکل را لمس کرده‌ام. خواهرم ناشنواست و چند مدرک حرفه‌ای دارد، ولی هرچه تلاش کردیم با هر کدام از این مدرک‌ها، نتوانسته است جایی مشغول کار شود. حتی به بعضی جاها گفته‌ام که خواهرم حاضر است با حقوق کم کار کند، چون می‌تواند لب‌خوانی کند، ولی باز هم قبول نمی‌کردند. به بعضی جاها می‌گفتم خواهرم سابقه و مدرک دارد که استقبال می‌کردند و در آخر تا می‌گفتم ناشنواست، ولی لب‌خوانی بلد است و واضح هم صحبت می‌کند که شما متوجه حرف‌هایش می‌شوید، باز می‌گفتند نه، امیدواریم جای بهتر کار پیدا کند.» «خادم‌زاده» معتقد است اشتغال ناشنوا به استقلال و اعتماد به نفس او کمک می‌کند. او ادامه می‌دهد: «در کاری که کاملاً پدیدار است و به ارتباط مشتری و ارتباط رجوع نیاز ندارد، چرا که ناشنویان استفاده نمی‌کنند؟ مانند این است که یک فرد شنوا، هندزفری بگذارد و چیزی نشنود و کارش را بکند. چرا او را استخدام می‌کنند، ولی ناشنویان را نه؟ فرد ناشنوا اگر اشتغال نداشته باشد مشکلات دیگری پشت سرش می‌آید؛ مانند مسکن، از دواج یا حتی تداوم از دواج. خیلی از ازدواج‌ها به دلیل بیکاری فرد ناشنوا به شکست انجامیده است.»

## مشکلات ناشنویان یکی دو تا نیست

او که با مشکلات خواهر ناشنواش به‌خوبی آشنایی دارد، می‌گوید: «بینید بستر یک سری چیزها فراموش نیست. مثلاً فکر کنید اگر ناشنوایی به یکی از شغل‌های خوب این دوره که همه دنبال آن هستند، برآمد است و همه جایه کار می‌آید و دنیا دار دروی آن می‌چرخد؛ یعنی برنامه نویسی، علاقه‌پدیمی کند و می‌خواهد آن را یاد بگیرد، کجا باید مراجعه کند؟ برای برنامه نویسی باید حداقل زبان آشنای باشید. کجا باید بروید زبان انگلیسی یاد بگیرید؟ آیا شما تا به حال مجموعه‌ای را دیده‌اید که مخصوص آموزش برنامه نویسی پایتون به زبان اشاره باشد یا آموزش گرافیک و حرفه‌ای را دیده‌اید که برای افراد ناشنوا مناسب‌سازی کرده باشد؟ یا مثلاً دانشگاهی که تخصصی یک رشته را به افراد ناشنوا آموزش بدهد. بعد این طور هم نیست که من شنواییم و بگویم این رشته‌ها به در دانشنوا می‌خورد و بقیه رشته‌ها نه. ناشنواها یک شعار دیگری هم دارند که جزو شعارهای امسال‌شان هم هست که می‌گوید «بدون ما برای ما تصمیم نگیرید.» یعنی من نباید برای ناشنوا تصمیم بگیرم چه رشته‌ای را بخواند.»

## نگاه مردم به ناشنویان بهتر شده

از او درباره نگاه مردم به ناشنویان می‌پرسیم، می‌گوید: «اگر می‌خواهید نگاه فعلی مردم به ناشنوا را بدانید باید بگویم دارد پیشرفت می‌کند. البته آن هم به خاطر رسانه‌ها نیست. رسانه‌ها هیچ وقت نیامده درباره یک فرد ناشنوا بررسی کند و او را به بقیه بشناساند. بلکه به خاطر همین فضای مجازی است. افرادی مثل من یا چند ناشنوا یا بعضی مترجمان که در صفحه‌های شخصی من در شبکه‌های اجتماعی درباره ناشنویان و زندگی آن‌ها نوشته‌ایم، دید مردم را تغییر داده که خیلی بهتر شده است، ولی اگر این‌ها نبود نگاه مردم خیلی خوب نبود.» او مثال می‌زند: «مثلاً سوال‌های عجیبی از من می‌شود که ناشنوا مگر سواد دارد؟ بله که دارد یا ناشنوا مگر

## اشکالات محیط‌های آموزشی

### برای ناشنویان

«خادم‌زاده» درباره مشکلاتی که در محیط آموزشی برای ناشنویان است دل‌پری دارد. او می‌گوید: «متأسفانه محیط آموزشی کشور ما برای ناشنویان اصلاً خوب نیست. فکر کنید او در مدرسه‌ای می‌شود که نابینا، ناشنوا، سندروم داون و معلول جسمی - حرکتی دارند در یک کلاس با یک معلم مشترک درس می‌خوانند. خب معلم چطور می‌تواند هم سندروم داون را بشناسد و مطابق آن درس بدهد و هم ناشنوا را. ما معلمی که به زبان اشاره مسلط باشد، تقریباً نداریم. صدا و سیما یا اصلاً درباره ناشنویان برنامه‌ای دارد؟ برای هفته جهانی ناشنویان مهمان‌های ناشنوا را دعوت می‌کنند و برنامه‌های مفرح می‌گذارند و می‌روند تا سال بعد. خب دید مردم به این چیزها بستگی دارد. نگاه مردم الان خیلی بهتر شده، ولی یک سری سوال‌های عجیب همیشه هست و یک عده از مردم ما نمی‌دانند. من رسانه را مقصر همه این‌ها می‌دانم.»

## اهمیت آشنایی مردم بازبان اشاره

از این مترجم زبان اشاره درباره آشنایی مردم با این زبان می‌پرسیم، پاسخ می‌دهد: «در صد خیلی کمی بازبان اشاره آشنا هستند. ما هم که با این زبان آشنایی داریم یک فرد ناشنوا داخل خانواده داریم یا این که خیلی علاقه داشته و وارد این حوزه شده‌ایم که خب تعداد کمی هستیم. هر جایی هر شغلی که داشته باشید امکان این که یک فرد ناشنوا را ببینید، هست. شعار امسال فدراسیون جهانی ناشنویان این است که ناشنوا در هر جایی بتواند با اشاره صحبت کند؛ یعنی حرفش را بزند. خود شما چند ناشنوا در جامعه دیده‌اید؟ احتمالاً تعداد خیلی کمی. یکی از دلایل این است که محیط برای ناشنواها آماده نیست. ناشنویان نمی‌توانند بیرون بیایند و راحت بگردند. وقتی من بلد باشم، کارمند بانک، مغازه‌دار، دکتر و پرستار بیمارستان و مدیر یا ناظم مدرسه همه زبان اشاره بلد باشند، قطعاً در جامعه ناشنوای بیشتری را می‌بینیم. در این صورت ناشنوا هم اعتماد به نفس بیشتری پیدا می‌کند که بیاید و شروع کند به حرف زدن، فرد ناشنوا می‌تواند خواسته خودش را راحت بیان کند. امکان دارد یک فرد ناشنوا به شما مراجعه کند و بخواهد کارش را راه بیندازد. مثلاً بگوید می‌خواهم بچه‌ام را در این مدرسه ثبت‌نام کنم یا بچه من مریض است و این‌ها را بگویم. این که ما آن‌ها را کمتر دیده‌ایم، نشان می‌دهد محیط برای آن‌ها آماده نبوده است. این همان دلبلی است که همه باید زبان اشاره را کم‌در حدی که کار او را راه بیندازد، بلد باشند. من نمی‌گویم همه بروند زبان اشاره را یاد بگیرند و به آن مسلط باشند، اما تا حد مبتدی برای فردی که می‌خواهد با یک ناشنوا ارتباط بگیرد، لازم است.»



## باورهای اشتباه مردم درباره ناشنواها

این مدرس زبان اشاره باز هم تأکید می‌کند که برخی مردم درباره ناشنویان دید اشتباهی دارند: «در صحبت‌های قبلی هم به آن اشاره کردم، برخی فکر می‌کنند ناشنوا به غیر از این که ناشنواست، ناتوانی دیگری هم دارد که این طور نیست. بعضی‌ها فکر می‌کنند ناشنوا تا کاشت حلزون انجام نداده است یک مشکلی دارد و باید حتماً کاشت حلزون را انجام دهد. خب این طور نیست. ناشنوا می‌تواند نخواهد این عمل را انجام دهد. این عمل جراحی یک کار انتخابی است و بستگی به فرد دارد. یک فرد ناشنوا ارزشش با فردی که کاشت انجام داده، یکی است.» با این حال او معتقد است ادارات خدمات مناسبی به ناشنویان نمی‌دهند: «این پاسخ همان چرایی است که ما باید بازبان اشاره بلد باشیم؛ کارمندانی که هیچ کدام بازبان اشاره آشنا نیستند. اگر خدمات مناسبی به ناشنواها داده

## سمعک‌های گران یا قدیمی

«خادم‌زاده» درباره یکی از رایج‌ترین مشکلات ناشنویان می‌گوید: «یکی از مشکل‌های اصلی و رایج، سمعک است. سمعک خوب یا در بازار نیست یا خیلی گران است. سمعک‌هایی که به‌زیستی به ناشنویان می‌دهد، خیلی قدیمی است. در بازار هم سمعک خوب خیلی گران است. شما تصور کنید مثلاً پدر و مادر یک ناشنوا که خودش هم وضع مالی خوبی ندارند، بخواهند سمعک بخرند، یک هزینه هنگفت برایشان است. حال اگر بخواهند عمل کاشت حلزون گوش هم انجام بدهند که دیگر وحشتناک است. در ضمن، سن طلایی برای کاشت حلزون زیر ۳ سال است که عوارض آن را خیلی کم می‌کند.»

## توجه به ناشنویان برای ظاهر سازی در برنامه‌ها!

او خاطره‌ای هم از همکاری برای ساخت یک برنامه برای ناشنویان تعریف می‌کند: «برای ترجمه یک برنامه تلویزیونی یک هفته رقتن تا کارهای بخش زبان اشاره را انجام دهم. آن برنامه بخش‌های مختلفی داشت. یک بخش ۳ یا ۴ دقیقه‌ای در وسط برنامه مشخص کرده بودند تا من برای ناشنویان ترجمه کنم. به آن‌ها گفتم که شما ۳۰ دقیقه از ابتدای برنامه را ترجمه نمی‌کنید و ناشنوا متوجه نمی‌شود، سپس ۳ دقیقه را ترجمه می‌کنید و دوباره نیم ساعت پایانی را هم ترجمه نمی‌کنید. خیلی هم اصرار داشتند که یک آدم نفره‌ای این کار را برای‌شان انجام دهد و جوری رفتار می‌کردند که من نمی‌خواهم از سر خودمان باز کنیم، اما من منطق این کار را نمی‌فهمیدم و هرچه تلاش کردم و جنگیدم که اگر می‌شود حداقل برای بقیه بخش‌هایک زیر نویس ساده اضافه کنید، می‌گفتند که جذابیت تصویر کم می‌شود! بعداً متوجه شدم که این کار و قرار دادن یک بخش ۴ دقیقه‌ای برای ناشنویان برای ظاهر سازی و شواقی بوده که بگویند ما به فکر ناشنویان هم هستیم. من هم در ادامه با آن‌ها قطع همکاری کردم، اما شنیدم بسیاری از برنامه‌هایی که ساخته می‌شود، با این چالش‌ها روبه‌روست.»

## مناسب‌سازی

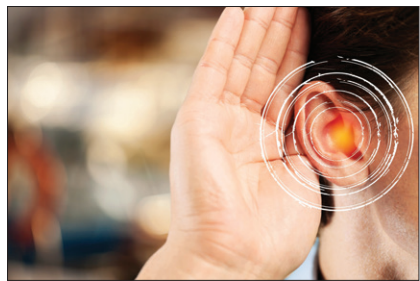
### رشته‌های تحصیلی برای

### ناشنویان

او درباره مشکلات پیدا کردن شغل برای ناشنویان می‌گوید: «در قدم اول، همه رشته‌های تحصیلی باید برای افراد ناشنوا مناسب‌سازی شوند؛ یعنی مثل یک فرد شنوا باید این امکان برای افراد ناشنوا هم وجود داشته باشد که بتوانند اطلاعات کسب کنند که این مسئله برمی‌گردد به شیوه آموزش و پرورش که امیدواریم اصلاحاتی در آن اتفاق بیفتد. باید خود فرد ناشنوا این امکان را داشته باشد که رشته‌اش را انتخاب کند و مثلاً رشته طراحی فرش، برنامه نویسی رایانه، دبیری یا... همه این رشته‌ها باید به گونه‌ای باشد که ناشنوا بداند وقتی وارد آن می‌شود، بتواند به صورت تخصصی آموزش ببیند و از آن طرف برایش بازار کار باشد، اما وقتی برای یک فرد ناشنوا، بستری فراهم نیست که آموزش ببیند، بنابراین نمی‌تواند وارد کارهای تخصصی بشود. به همین دلیل است که بسیاری از ناشنوا می‌روند دنبال کارهایی که به تخصص نیاز ندارد و به اصطلاح پیدی هستند. مثلاً عکاسی، خیاطی، نقاشی، کار کردن در تولیدی‌های عمده و... شغل‌هایی است که ناشنویان انجام می‌دهند. ناشنواها می‌روند سراغ حرفه‌هایی که فقط با چشم و دست در ارتباط است. پس انتخاب‌هایشان محدود است. با همین شرایط و با همین انتخاب‌های محدود، یک سری کارفرماها هم از سرترس، خرافات یا هر دلیل دیگری که من نمی‌دانم، باز محدودیت ایجاد می‌کنند و می‌گویند که ما ناشنوا جذب نمی‌کنیم.»

## ناآگاهی قشر تحصیل کرده

### از چالش‌های ناشنویان



«خادم‌زاده» درباره رفتارهای مردم با ناشنویان می‌گوید: «بیشتر مردم ما متأسفانه درباره ناشنوایی و چالش‌های آن اطلاع ندارند که باید این مشکل با یک سری اطلاع‌رسانی‌ها حل شود، اما از قشر تحصیل کرده ما، مثلاً یک پزشک، انتظار می‌رود که چیزهایی را بداند. من در زمان کرونا، همراه خواهرم به پزشک مراجعه کردیم. در زمان ویزیت، پزشک داشت با خواهرم صحبت می‌کرد که به او گفتم خواهرم ناشنواست. دکتر ماسک زده بود و خواهرم متوجه حرف‌هایش نمی‌شد. توقع داشتم که به خاطر شرایط خاص خواهرم دکتر از اوافصله بگیرد، برای چند لحظه ماسکش را بردارد تا خواهرم از روی لب‌خوانی متوجه حرف‌هایش بشود، اما ماسک را در نیارود و بپکو شروع به صحبت کردن با خواهرم کرد. شو که شدم و گفتم که خواهرم ناشنواست و شما هر چقدر داد بزنید، او متوجه نمی‌شود. دست آخر، خودم ماسکم را برداشتم و سوالات پزشک را از خواهرم پرسیدم. حرف من این است که آدم از یک عده افراد توقع چنین ناآگاهی‌هایی را ندارد.»